

سازمان اداری آموزش و پرورش ایران و اهم قوانین آموزشی

سازمان آموزش و پرورش ایران را می‌توان در دورانهای مختلف به شرح زیر بررسی کرد:

۱. سازمان آموزش و پرورش ایران در دوران پیش از اسلام،
 ۲. سازمان آموزش و پرورش ایران در دوران اسلامی تا انقلاب مشروطیت،
 ۳. سازمان آموزش و پرورش ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی،
 ۴. تغییرات سازمان آموزش و پرورش ایران بعد از انقلاب اسلامی تاکنون.
- نظر به اینکه ویژگیهای نظام آموزش و پرورش و تحولات آن در تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام به تفصیل مطرح می‌شود، در این کتاب به ذکر سازمان آموزش و پرورش ایران به سبک جدید با تأکید بر وضع موجود اکتفا می‌کنیم. سازمان آموزش و پرورش ایران به سبک جدید، عمدتاً پس از انقلاب مشروطیت به وجود آمد. مطالعه این سازمان و سیر تحول آن در دو قسمت سازمان اداری و آموزشی حائز اهمیت است. نظر به اهمیت سازمان، هر یک از دوره‌های تحصیلی و قوانین آموزشی مربوط به آن و شرایط انتخاب و انتصاب مدیران هر دوره این موضوع در فصلهای آینده بحث خواهد شد. در این فصل سیر تاریخی و تکوینی سازمان، تشکیلات اداری و برخی از قوانین مربوط ذکر می‌شود.

۱. تأسیس وزارت علوم

چند سال پس از تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۸ ق دولت، وزارتخانه‌ای به نام

وزارت علوم تأسیس کرد تا امور تعلیم و تربیت کشور در این وزارتخانه، برنامه‌ریزی و اداره شود.

تأسیس وزارت علوم را در سال ۱۲۷۲ ق باید نخستین اقدام دولت ایران برای اداره آموزش و پرورش کشور به صورت رسمی دانست. بنابراین از این تاریخ به بعد هر سال بودجه آموزش و پرورش افزایش یافت و به تدریج مسئولیتهای بیشتری بر عهده دستگاه مرکزی آموزش و پرورش گذاشته شد. نظر به ارتباط و پیوستگی امور دارالفنون با وزارت علوم، رئیس دارالفنون^۱ به سمت وزیر علوم و معاون آن در مقام معاونت وزارت علوم منصوب شد.

سازمان اداری وزارت علوم

سازمان اداری این وزارتخانه شامل اداره مدارس، اداره اوقاف، اداره مطبوعات، اداره حفریات موزه، اداره مطبوعه دولتی و اداره ابنیه عتیقه بوده است. وجود ادارات مذکور نشان‌دهنده وظایف متعددی است که در آغاز، وزارت علوم بر عهده داشته است و این وزارتخانه علاوه بر ایجاد و توسعه مدارس و توجه به آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان، امور دیگری مانند اوقاف، مطبوعات و غیره را عهده‌دار بوده است. با تأسیس وزارت علوم و براساس سیاستهای این وزارتخانه، مدارس متعددی در شهرهای بزرگ ایران به صورت دولتی و غیردولتی به وجود آمد.

۲. وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه

پس از انقلاب مشروطیت و تصویب قانون اساسی و متمم آن و تشکیل وزارتخانه‌های متعدد، نام وزارت علوم به وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه تغییر یافت. برای اداره این وزارتخانه در سال ۱۲۸۶ شمسی قانونی از مجلس گذشت و به موجب آن ساختار اداری آموزش و پرورش مشخص شد، همچنین در سال ۱۲۹۰ شمسی

۱. علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، اولین وزیر علوم و رئیس دارالفنون، مدت وزارت وی حدود بیست و دو سال بوده است.

قانون اساسی معارف (فرهنگ) از تصویب مجلس گذشت و براساس مفاد آن - که در فصلهای بعد از آن بحث خواهد شد - ساختار آموزشی و سیاستهای لازم در مورد نظام رسمی آموزش و پرورش کشور تعیین و اعلام گردید.

قانون اداری وزارت معارف

قانون اداری معارف، مصوب ۱۲۸۶ ش اولین قانون در زمینه آموزش و پرورش است که به سازمان و تشکیلات اداری آموزش و پرورش اختصاص یافته و براساس آن، سازمان و تشکیلات ادارات مرکزی و وظایف آنها مشخص شده است.

قانون اداری معارف در سه بخش تدوین گردیده است:

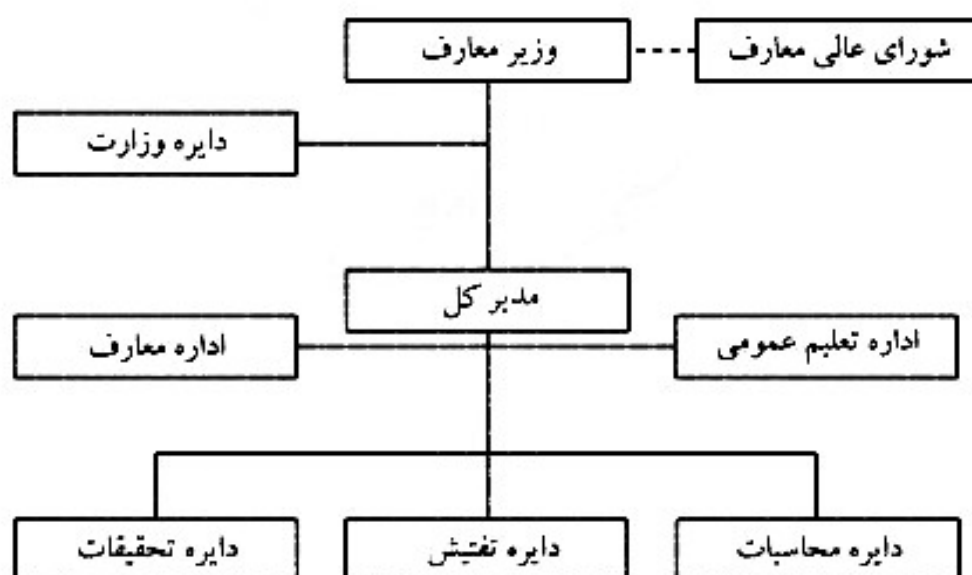
۱. ترتیب شعبه‌های ادارات مرکزی؛

۲. وظایف وزیر و اعضای ادارات؛

۳. ترتیب ادارات معارف و اوقاف در ولایات و ایالات.

در ماده اول این قانون آمده است: ادارات وزارت معارف و اوقاف و صنایع

مستظرفه از قرار ذیل است:



نمودار ۱-۳ سازمان وزارت معارف در سال ۱۲۸۶ ش

ساده بودن ساختار سازمانی، وجود روابط منطقی بین ادارات، اهمیت دادن و مقدم داشتن امور فنی و آموزشی بر امور اداری و مالی، توجه داشتن به مشورت و استفاده از تجارب ارزنده صاحب نظران از ویژگیهای مهم این تقسیم بندی است.

دایرة وزارت مشتمل بر وزیر و کابینه وزیر، مدیرکل، اداره تعلیم عمومی، اداره معارف، اداره اوقاف، دایرة تحقیقات، دایرة تفتیش، دایرة محاسبات و هیئت شورای معارف بوده و طبق مفاد این قانون اجازه ایجاد شعبه در ایالات و ولایات داده شده است.

۳. وزارت فرهنگ

با تصویب کلمه فرهنگ به جای معارف در فرهنگستان ایران، وزارت معارف در سال ۱۳۱۷ ش وزارت فرهنگ نامیده شد. این عنوان تا تصویب قانون تفکیک وزارت فرهنگ در سال ۱۳۴۳ ش همچنان پابرجا بود.

این وزارتخانه بین سالهای ۱۳۱۷ و ۱۳۴۳ همواره گسترش یافته و سرپرستی و اداره دوره‌های مختلف تحصیلی از کودکان تا آموزش عالی و همچنین امور فرهنگی، هنری و اوقاف را بر عهده داشته است.

۴. قانون تفکیک وزارت فرهنگ و تشکیل وزارت آموزش و پرورش

این قانون در ۱۵ آذر ۱۳۴۳ مشتمل بر هشت ماده و دو تبصره به تصویب رسید. در ماده یک این قانون آمده است: «از تاریخ تصویب این قانون کلیه وظایفی که به عهده وزارت فرهنگ بوده است به وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و هنر و سازمان اوقاف - که به موجب این قانون تشکیل می‌شود - محول خواهد شد». در ماده دو این قانون ذکر شده است: «وزارت آموزش و پرورش عهده‌دار انجام وظایفی است که طبق قانون تا تاریخ تصویب این قانون به عهده وزارت فرهنگ بود، به استثنای اموری که به موجب این قانون به وزارت فرهنگ و هنر و سازمان اوقاف محول می‌گردد».

با اجرای این قانون و جدا شدن وظایف وزارت فرهنگ و هنر و اوقاف از وزارت آموزش و پرورش - که طرح‌ریزی، سرپرستی و اداره امور آموزش و پرورش دوره‌های پیش‌دانشگاهی و دانشگاهی را بر عهده داشت - تشکیلات

مرکزی گسترده‌ای پیش‌بینی شد.

در سازمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۳ دو شورا به نامهای شورای عالی آموزش و پرورش و شورای مرکزی دانشگاهها در نظر گرفته شد و اداره کل دفتر وزارتی، اداره کل مطالعات و برنامه‌ها، اداره رمز و محرمانه و دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش به طور مستقیم زیر نظر وزیر آموزش و پرورش فعالیت داشتند.

وزیر آموزش و پرورش چهار معاون به ترتیب زیر داشت: معاون تعلیمات عالی و فنی و حرفه‌ای، معاون اداری و مالی، معاون پارلمانی و معاون تعلیمات عمومی. زیر نظر هر معاونت، چند اداره کل قرار داشت، همچنین سازمان اداری آموزش و پرورش در استانها و شهرستانها نیز توسعه یافت.

۵. قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی

این قانون در بهمن ماه ۱۳۴۶ در ده ماده و سه تبصره به تصویب رسید و برای اولین بار وظایف مربوط به آموزش عالی از وزارت آموزش و پرورش جدا و به وزارتخانه‌ای به نام وزارت علوم و آموزش عالی واگذار شد.

در ماده دو این قانون آمده است: «کلیه وظایف و اختیارات وزیر آموزش و پرورش در شورای مرکزی دانشگاهها و هیئتهای امنای دانشگاهها یا دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی به وزیر علوم و آموزش عالی محول گردیده است.»
در ماده یک این قانون، برای وزارت علوم و آموزش عالی وظایفی تعیین شده است که عبارت‌اند از:

۱. تعیین هدفهای علمی، تحقیقاتی و آموزشی،
۲. تهیه و تنظیم برنامه‌های مربوط به علوم و پژوهشهای علمی و آموزش عالی با توجه به نیازمندیهای کشور،
۳. نظارت بر امور دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی،
۴. صدور اجازه تأسیس و توسعه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی،

۵. ارزشیابی مدارک تحصیلی صادره از مؤسسات عالی خارج از کشور،
۶. تعیین خط‌مشی کلی در مورد اعزام دانشجویان به خارج از کشور،
۷. اداره امور نمایندگی ثابت ایران در یونسکو.

۶. قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش منطقه‌ای

با وجود تأکیدهای مکرر برای مشارکت مردم در اداره آموزش و پرورش کشور و لزوم رعایت مقتضیات مناطق مختلف در برنامه‌ریزی آموزشی - در قوانین مختلف از جمله قانون اساسی معارف تا سال ۱۳۴۸ - وزارت آموزش و پرورش در این زمینه اقدام زیادی به عمل نیاورده است.

در سال ۱۳۴۸ اولین گام در جهت واگذاری برخی از امور آموزش و پرورش به مناطق برداشته شد و قانونی به نام قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش منطقه‌ای از تصویب مجلس گذشت. در مورد اهداف و وظایف مطرح شده در این قانون در فصل شوراها بحث خواهد شد.

۷. تشکیلات اداری وزارت آموزش و پرورش تا سال ۱۳۵۸

با تصویب قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی، وزارت آموزش و پرورش عهده‌دار آموزش و پرورش عمومی (ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه) شد و در تشکیلات آن تا سال ۱۳۵۷ تغییرات بسیاری به وجود آمد، هدف و وظایف کلی آن به شرح زیر تعیین شد:

هدف. تعلیم و تربیت کلیه افراد واجب‌التعلیم کشور و فراهم آوردن موجبات آن با توجه به آخرین پیشرفتهای حاصله در روشهای تعلیم و تربیت با در نظر گرفتن هدفها و احتیاجات آموزشی کشور.

اهم وظایف:

- تهیه و تنظیم مقررات عمومی آموزش کشور تا پایان دوره متوسطه،
- نظارت بر اجرای طرحها و برنامه‌های آموزشی تا پایان دوره متوسطه،

- همکاری با وزارت علوم و آموزش عالی برای تهیه و تنظیم طرحها و برنامه‌های آموزشی کشور تا پایان دوره متوسطه،
- تأسیس و تجهیز آموزشگاههای ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، فنی و حرفه‌ای در سراسر کشور و همچنین مدارس عالی که با موافقت وزارت علوم و زیر نظر وزارت آموزش و پرورش اداره می‌شوند،
- کوشش در تعمیم آموزش فنی و حرفه‌ای در قالب برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور با جلب همکاری مؤسسات مربوط،
- تهیه و چاپ کتابهای درسی و توزیع آنها در سراسر کشور،
- تهیه و تنظیم طرحهای آموزش ضمن خدمت کارکنان آموزش و پرورش و اجرای آنها،
- تعیین ارزش و اعتبار گواهینامه‌های صادره از مؤسسات آموزشی داخلی و خارجی تا پایان دوره متوسطه.

۸. سازمان اداری و تحولات تشکیلاتی تا سال ۱۳۵۸

پس از تفکیک وظایف وزارت آموزش و پرورش و تصویب و اجرای قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش منطقه‌ای در سال ۱۳۴۸ - که در فصل شوراها بحث خواهد شد - تشکیلات مرکزی وزارت آموزش و پرورش با واحدهای اصلی به شرح زیر مشخص شد:

- ۱) شورای عالی آموزش و پرورش، ۲) دفتر وزارتی، ۳) معاونت پارلمانی و اداری، ۴) معاونت طرحها و بررسیها، ۵) معاونت برنامه‌ریزی آموزشی، ۶) معاونت آموزشی، ۷) معاونت آموزشی منطقه مرکزی، ۸) معاونت آموزشی منطقه یک، ۹) معاونت آموزشی منطقه دو، ۱۰) معاونت آموزشی منطقه سه، ۱۱) معاونت آموزشی منطقه چهار، ۱۲) سازمان سپاه دانش، ۱۳) سازمان کتابهای درسی و ۱۴) اداره کل تربیت بدنی.

در سازمان اداری آموزش و پرورش استانها و شهرستانها - با توجه به سازمان

مرکزی - تغییراتی به وجود آمد و اولین بار وزارت آموزش و پرورش علاوه بر چهار معاون وزیر در حوزه مرکزی، دارای پنج معاون آموزشی در پنج منطقه کشور شد که چند اداره کل آموزش و پرورش استان زیر نظر یک معاون منطقه فعالیت داشتند. مطالعه و بررسی تشکیلات اداری وزارت آموزش و پرورش تا سال ۱۳۵۸ نشان می‌دهد که این تشکیلات دستخوش تغییرات متعدد شده است و به تدریج معاونان آموزشی مناطق که به آنها اشاره شد از سازمان اداری حذف شدند و به موجب قانون، دو سازمان دیگر به وجود آمد که عبارت‌اند از:

- سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی (مصوب تیرماه ۱۳۵۵)،

- سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس (مصوب ۱۳۵۴).

اختیارات بیشتر وزارت علوم و آموزش عالی به‌ویژه در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی تمام دوره‌های تحصیلی، تشکیل شوراهای متعدد آموزشی در کشور و ناهماهنگیهای فراوان در تصمیم‌گیری این شوراهای دو وزارتخانه آموزش و پرورش و علوم و آموزش عالی، فکر ادغام این دو وزارتخانه را تقویت کرد و برای مدت محدودی در سال ۱۳۵۶ سرپرستی این دو وزارتخانه به یک وزیر سپرده شد.

در سازمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۷ وزیر آموزش و پرورش دارای نه معاون به شرح زیر بوده که زیر نظر هر کدام، دفاتر و ادارات کل متعددی فعالیت داشته است:

- ۱) معاون امور اداری و مالی، ۲) معاون امور پارلمانی و شوراهای مناطق،
- ۳) معاون امور اجتماعی و رفاهی، ۴) معاون امور آموزشی، ۵) معاون آموزش فنی و حرفه‌ای، ۶) معاون آموزش عمومی، ۷) معاون و رئیس سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی، ۸) معاون ورزش و ۹) معاون و رئیس سازمان ملی پیشاهنگی.

بررسی سیر تحول تشکیلاتی آموزش و پرورش نشان می‌دهد که دستگاه فرهنگ کشور از تأسیس وزارت علوم در سال ۱۲۷۲ ق تا سال پدید آمدن انقلاب اسلامی ایران راه درازی پیموده است. تشکیلات ساده و اولیه آن به سازمانی گسترده

مبدل شده و رشد فراوانی یافته است.

با وجود مطالعاتی که در جهت تغییر اساسی ساختار اداری به وجود آمد، در سال ۱۳۵۷ وزارت آموزش و پرورش تشکیلات مرکزی گسترده‌ای داشت و در همه بخشها و شهرستانها و استانهای کشور یک واحد اجرایی برای اداره آموزش و پرورش موجود بود و از این طریق بر اجرای همه امور نظارت می‌شد.

گسترش ساختار اداری و افزایش واحدهای گوناگون ستادی و اجرایی موجب شد تا نظام اداری آموزش و پرورش بر نظام آموزشی و پرورشی چیره شود و به جای ایفای نقش پشتیبانی و خدمت کردن به امور آموزشی، در مقام فرماندهی برآید و در نقش رهبری و مدیریت از احساس برتری برخوردار شود و در پاره‌ای موارد راه را بر نوآوریهای آموزشی ببندد تا بروز خلاقیت‌های کارکنان آموزشی را به‌خوبی ممکن نسازد و به جای واگذاری اختیارات بیشتر و حرکت به سوی عدم تمرکز، در راه تمرکز شدید گام بردارد و بدین ترتیب همه یا اکثر امور آموزش و پرورش در دستگاه مرکزی به وسیله مقامات مرکزی حل و فصل شود.

خودآزمایی

۱. سیر تاریخی تأسیس وزارت علوم تا وزارت آموزش و پرورش را تشخیص و توضیح دهید.
۲. مفاد کلی قانون اداری وزارت معارف را ضمن آشنایی با ویژگیهای ساختار سازمانی آن بیان کنید.
۳. مشخصات کلی قوانین تفکیک وزارت فرهنگ و تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی را بیان کنید.
۴. تغییرات و تحولات تشکیلاتی سازمان اداری وزارت آموزش و پرورش را مشخص کنید.
۵. آثار ناشی از گسترش و تورم ساختار اداری را بر سازمان آموزشی توضیح داده و تحلیل کنید.